

خبر
<div><div><div><div></div></div></div><div></div></div>

موکب‌های اربعین پولی نیستند

معاون امور اربعین در کمیته مشارکت‌های مردمی، اسکان و تغذیه اربعین گفت: خدمات موکب‌های اربعین محدود به ملیت و تابعیت زائر نیست و رایگان و بی‌نیاز از ارائه کارت شناسایی است.
موکب‌های ایرانی در اربعین تا ۲۰ شهریورماه برپا خواهند بود.

حمید افضلی درباره آخرین وضعیت موکب‌های ایران هم‌زمان با اوج گرفتن سفرهای اربعین، به ایسنا گفت: سه‌هزار و ۳۰۰ موکب اربعین تا کنون پروانه دریافت کرده‌اند که از این تعداد حدود یک هزار و ۳۰۰ موکب در داخل ایران و حدود دو هزار موکب در خاک عراق خدمات می‌دهند.

معاون امور اربعین در قرارگاه مرکزی اربعین در ستاد توسعه و بازسازی عتبات عالیات درباره آغاز خدمات‌دهی موکب‌ها با توجه به گزارش‌هایی درباره نبود امکانات و خدمات در برخی موکب‌های حرکت زائران، اظهار کرد: با توجه به زمان‌بر شدن انتقال برخی مواد مورد نیاز موکب‌ها، بعضی از آن‌ها نسبت به برنامه زمان‌بندی با تاخیر مستقر می‌شوند.

به گفته افضلی، درحال حاضر نزدیک به ۴۴ موکب در شهر نجف، حدود ۷۰ موکب در شهر کربلا، ۲۵ موکب در سامرا، حدود ۳۰ موکب در کاملین، ۷۲ موکب در استان ایلام و مرز مهران، حدود ۱۵ موکب در مرز تمپین در استان آذربایجان غربی، ۲۵ موکب در مرز خسروی در استان کرمانشاه، ۲۲ موکب در مرز باشماق در کردستان و نزدیک به ۱۲۰ موکب در استان خوزستان و دو مرز شلمچه و چزیبه درحال خدمات‌دهی هستند.

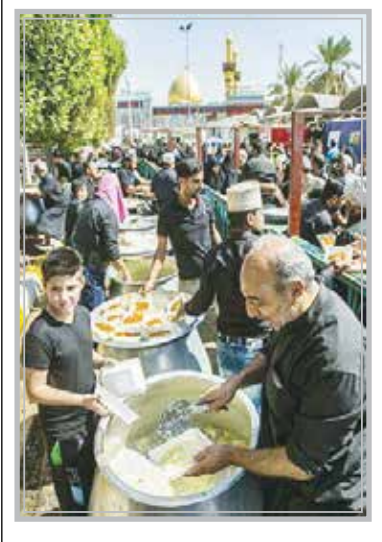
او درباره پایان کار موکب‌های ایرانی در اربعین، اظهار کرد: این موکب‌ها تا دو سه روز بعد از اربعین و حدودا تا ۲۵ ماه صفر برابر با ۲۰ شهریورماه به زائران خدمات خواهند داد.

افضلی با اشاره به فعالیت ۲۴ ساعته مرزهای زمینی ایران و عراق، اظهار کرد: در گذشته برخی از مرزها فعالیت شبانه نداشتند، اما امسال این مساله حل شده و مرزها شبانه‌روزی هستند. با این وجود و با توجه به ازدحام جمعیت در برخی مرزها، پیشنهاد می‌شود زائران پس از آن‌که به مرز می‌رسند، توقف را کوتاه کرده و از مرز خارج شوند، اما اگر نیاز به استراحت و توقف داشتند، امکانات و موکب‌هایی برای استراحت و اقامت شبانه زائران برپا شده و نگرانی از این بابت وجود ندارد.

او درباره هزینه و شرایط اسکان در موکب‌های ایرانی گفت: در فرهنگ عمومی مردم عراق دو واژه درباره اربعین وجود دارد؛ زائر و خادم، که تمام تلاش ما این است به آن نزدیک شویم. به هر حال مردم عراق میزبان اصلی اربعین هستند و خدمات ما کمتر از ۱۰ درصد از کل خدمات اربعین را شامل می‌شود و میزبانی و پذیرایی اصلی با مردم عراق است.

معاون امور اربعین قرارگاه مرکزی اربعین در ستاد بازسازی عتبات عالیات همچنین تاکید کرد: هیچ محدودیتی برای اقامت و استفاده از خدمات موکب‌ها نباید وجود داشته باشد. خدمات موکب‌ها محدود به زائران ایرانی نیست و نباید خدمات وابسته به ملیت و تابعیت زائر باشد، مردم عراق هرگز این‌گونه نبوده‌اند و محدودیتی در پذیرش زائران اربعین ندارند، آن‌ها حتی زائر را منصرف نمی‌کنند و همیشه او را دعوت می‌کنند و اگر فضایی برای اسکان و یا غذا نبود خود زائر توقف نمی‌کند و می‌رود.

افضلی گفت: برای استفاده از خدمات اسکان و سرویس‌های بهداشتی و حمام موکب‌ها به هیچ‌وجه به کارت شناسایی و مدارک دیگر نیاز نیست و هزینه‌ای نباید برای هر نوع خدماتی در موکب‌ها دریافت شود و خدمات‌دهی کاملاً رایگان است. این‌که در گذشته هزینه‌ای به ازای اسکان دریافت می‌شد و یا کارت شناسایی زائران ملحقه می‌شد، رفتاری کاملاً اشتباه بود. خدمات‌دهی موکب‌های ایرانی کاملاً باید منطبق با فرهنگ میزبان باشد.



به گزارش خبرنگرانین «شما نارکت نمی» «تو مافیای صد بازی»، «من یک شهروند سالم». این جملات بسیار آشناست، احتمالا شماهم «مافیا» را تماشا کردید، مجموعی از هنرمندان چهره که دست بر قضا به نظر می‌رسد کمی هم به خود واقعیشان نزدیک و محتوای تازه‌تری را ارائه می‌دهند، همین مخاطب را ترغیب می‌کند تا با شوق اشتیاق بیش‌تری به تماشای این برنامه‌ها بنشینند، برنامه‌هایی که گاه نمونه خارجی آن هم ساخته شده است.

اما مسئله این است که در حال حاضر چه اتفاقی افتاده؟ به تلوویزیون نگاه کنیم؛ برنامه‌ها مسابقه محور و گفت‌وگو محور است برنامه‌هایی که مجریانش چندان آورده علمی برای مخاطبانش به همراه ندارد، به شبکه نمایش خانگی هم برویم؛ گرچه که سریال هم تولید می‌کنند، اما غالب محتوای تولیدی در ماه‌های اخیر تبدیل شده به برنامه‌های «تاک‌شو» مثل «تی‌تی‌تی» یا برنامه‌هایی مثل «ناتو»، «پدر خوانده» و … که تعدادی هنرمند دورهم جمع می‌شوند و بازی هنرمندان سرشناس را تماشا می‌کنند.

حالا چرا تمایل به تماشای این برنامه‌ها زیاد است؟ «ناتو» را به خاطر دارید؟ واقعیت‌هایی از زندگی هنرمندان مطرح می‌شد که کاملاً مربوط به زندگی شخصیشان بود، ادیباتشان هم برای خودشان بود و لازم نبود از روی فیلمنامه آن را بخوانند، مخاطب به عنوان کسی که دوست دارد از واقعیت‌های مربوط به زندگی هنرمندان آگاه شود این برنامه را تماشا می‌کند تا نکته جالبی از خاطرات کودکی آن‌ها را بداند، ضمن اینکه خود بازی هم جدید است، یا مثلا «مافیا» مجموعی از هنرمندان بدون سناریو از پیش نوشته شده دور هم جمع شده‌اند حالا موقع این است که مخاطب ببیند موقع خوشحالی چه کاری انجام می‌دهند و عصبانیت این هنرمندان به چه شکل است؛ فرضاً «صداتو» را به یاد بیاورید، وقتی سینم مقدمی از آن‌ها به مجموع انگشتان دو دست هم نمی‌رسد، برنامه‌های مثل «عصر جدید» که یک کبی از برنامه خارجی بود و احسان علیخانی آن را ساخته بود، یا برنامه‌ای مثل«دورهمی» مهران مدیری که آن هم ابداعی خودمان نبود.

محتوای این برنامه‌ها از اساس تازه است، مگر پیش از این چند برنامه با این سبک و سیاق روی آنتن تلوویزیون یا شبکه نمایش خانگی رفته؟ مطمئنا تعداد آن‌ها به مجموع انگشتان دو دست هم نمی‌رسد، برنامه‌های مثل «عصر جدید» که یک کبی از برنامه خارجی بود و احسان علیخانی آن را ساخته بود، یا برنامه‌ای مثل«دورهمی» مهران مدیری که آن هم ابداعی خودمان نبود. مخاطب برانگیخته می‌شود تا آن را تماشا کند اما چرا شبکه نمایش خانگی سریع ساخت این برنامه‌ها می‌رود؟ سریال‌پویست شراب»، «یاغی»، «زخم کاری» و… این موارد با بخاطر دارید؟ در دوره‌ای به شدت مورد استقبال قرار گرفتند و توانستند مخاطب را جذب کنند، اما در حال حاضر چند سریال در حال هرجا می‌رویم نمایش را به تصویر کشیده شد و هیچ سریال اندازه سه برنامه‌ای که به آن اشاره شد، مورد استقبال قرار نگرفته است. در دوره‌ای شبکه نمایش خانگی جرقه‌های محکمی برای جذب مخاطب

ماجرای توقیف سریال رازی و نجات آن توسط ضرغامی

محمدرضا ورزی، کارگردان باسابقه سینما و تلوویزیون که سال‌ها پیش یک مینی‌سریال سه قسمتی با عنوان «کیمیاگر» را با موضوع مروری بر زندگی محمد بن زکریای رازی برای تلوویزیون ساخت، معتقد است رسانه ملی در سال‌های گذشته از پرداخت نمایشی به زندگی مفاخر به جز تولید چند اثر، غافل بوده است.

او همچنین با یادآوری اینکه دشواری زیادی در تولید سریال «کیمیاگر» سر راهش بود، می‌گوید: آنقدر سر این پروژه اذیت شدم که همان‌جا فهمیدم عمدتا مدیران وقت تلوویزیون دوست ندارند زندگی مفاخر ملی به تصویر کشیده شود و نتیجه‌اش خسارت فرهنگی عمیقی بود. متأسفانه در این مسیر، برخی از کشورهای همسایه، مفاخر و دانشمندان ایرانی را به نام خود ثبت کردند. محمدرضا ورزی که تاکنون سریال‌های تاریخی‌ نظیر «ستارخان»، «اس‌های مشروطه»، «تبریز در مه»، «معمای شاه» و «ایراندخت» را برای تلوویزیون ساخته است، در گفت‌وگویی با ایسنا که به پهنانه سالروز گذشتگ دانشمند ایرانی محمد بن زکریای رازی و ساخت مینی‌سریال «کیمیاگر» انجام گرفت، از تمایل نداشتن رسانه ملی در سنوات گذشته نسبت به ساخت آثار نمایشی با موضوع مفاخر ملی انتقاد کرد.

متاسفم که ضعیف عمل کردم

او ابتدا در معرفی شخصیت زکریای رازی سخنش را اینگونه آغاز می‌کند: زکریای رازی پزشک، فیلسوف، شیمیست و کاشف بزرگ ایرانی هزاره گذشته کنشورمان بود که در پنجم شعبان سال ۳۱۳ از هجرت در شهر ری در سن ۶۳ سالگی درگذشت. در این میان لازم است که بگویم، بسیار متاسفم که ما در تولید آثار نمایشی درباره زندگی مفاخر خیلی ضعیف عمل کردیم و غافل بودیم. شاید بگویم ماندگارترین سریال در حوزه زندگی مفاخر، «بوعلی سینا» ساخته زنده‌یاد کیهان رهگذر در سال ۱۳۴۶ بود. البته سریال‌های

جذب مخاطب با نمایش ستاره‌ها، خبری از کیفیت نیست

موج «تاگ شوسازی» در شبکه‌نمایش خانگی

این روزها دیگر خبری از برنامه‌های علمی با سطح داده پیچیده و بالا نیست، اتفاقا همه چیز خیلی ساده است و از کودک ۵ ساله تا انسان ۷۰ ساله محتوای قابل فهم و ساده‌ای در اختیار دارد، از طرفی دسترسی به اطلاعات هم بسیار ساده شده و این به آن معنا است که در کسری از ثانیه و تنها با فشار یک دکمه، به راحتی می‌توان از تمام اطلاعات موجود با خیر شد.



از اما نتوانست رویه خود را ادامه دهد در نهایت هم تصمیم گرفت برنامه‌هایی بسازد که مخاطبان خود را از دست ندهد و هم بتواد سریال دوستان را نگه دارد هم سرگرمی ایجاد کند به همین خاطر گام به سمت تولید برنامه‌هایی نهاد که عنصر اصلی آن چهره‌های شناخته شده هستند و البته بعد از مدتی هم به خاطر تکراری شدن مخاطب دیگر سمت آن نمی‌رود.

این را فراموش نکنیم که این برنامه‌ها هرچند آورده چندانی برای مخاطبان ندارند، اما می‌توانند ساعت‌ها یا کم‌ترین هزینه کنار اعضای خانواده‌شان تماشا کنند. رسانه‌تعیین برای مخاطب به چه بیندیشد؟ یکبار یونس شرک‌خواه، استاد ارتباطات در گفت‌وگویی اعلام کرد «در حال حاضر ما سانسور مدرن داریم، یعنی در حالی که پیش از این، سانسور به معنی ندادن اطلاعات بود؛ حالا به معنی بمباران اطلاعات است.»

این به چه معناست؟ کمی دقیق‌تر توضیح می‌دهم. بمباران اطلاعاتی یعنی رسانه، فضای مجازی، شبکه نمایش خانگی، تلوویزیون، سینما و همه این فضاها این قدرت را دارند که توجه عموم را به مجموعه‌ای از مسائل و موضوعات معین و محدود معطوف سازند و از مسائل و موضوعات دیگر چشم‌پوشی کنند. حاصل کار می‌شود چیزی که بعضی از مسائل خاص توسط بسیاری از مردم مورد توجه قرار می‌گیرد و خارج از قلمرو رسانه‌ها به بحث گذاشته می‌شود، درحالی که

به طور کلی رسانه‌های جمعی توجه مخاطبان را به سمت موضوعات معینی سوق می‌دهند. آن‌ها همواره موضوعاتی را عرضه می‌کنند و به افراد القا می‌کنند

مطبوعات، می‌نویسند: «رسانه‌ها در قالب گزارش‌های خبری، به طور قابل ملاحظه‌ای اهمیت موضوع‌های نظریه برجسته‌سازی است‌که‌شاو و مک کومبز مطرح کردند. طبق نظریه برجسته‌سازی، این رسانه‌ها هستند که به مردم می‌گویند به چیز فکر کنند و ممکن است در این میان موارد کم اهمیت در اولویت افکار عمومی قرار بگیرند و بالعکس.

نظریه برجسته سازی مدعی تأثیر رسانه‌ها بر شناخت و نگرش مردم و تعیین اولویت‌های ذهنی آنان از طریق انتخاب و برجسته‌سازی بعضی از موضوعات و رویدادها در قالب خبر و گزارش خبری است. به این معنا که رسانه‌ها با برجسته ساختن بعضی از موضوع‌ها و رویدادها، بر آگاهی و اطلاعات مردم تأثیر می‌گذارند.

منظور از برجسته سازی رسانه‌ها این است که رسانه‌ها، به ویژه در اخبار و گزارش‌های خبری و برنامه‌های مستند، یا حتی تولید محتوا برای سرگرمی این قدرت را دارند که توجه عموم را به مجموعه‌ای از مسائل و موضوعات معین و محدود معطوف سازند و از مسائل و موضوعات دیگر چشم‌پوشی کنند. حاصل کار می‌شود چیزی که بعضی از مسائل خاص توسط بسیاری از مردم مورد توجه قرار می‌گیرد و خارج از قلمرو رسانه‌ها به بحث گذاشته می‌شود، درحالی که به مسائل و موضوعات دیگر توجه نمی‌شود.

برجسته سازی، در مقاله کارکرد برجسته سازی

و در بلخی که یک زمانی متعلق به خاک پاک ایران بود به دنیا آمد و این‌ها متأسفانه فاجعه است چون نغدغه کسی نبوده تا الان. مدام می‌گفتند بوجه نیست و این خیلی بد است، من یادم هست برای «کیمیاگر» ابتدا یک تله‌فیلم نوشتم اما کمی بیشتر نوشتم تا یک مینی‌سریال شود که مدیر وقت شبکه یک کار را پس از تولید توقیف کرد و به آن ریوسید.

او توضیح می‌دهد: دلیل را که جویا شدیم گفتند، می‌گویند زکریای رازی ملحد و کافر بوده(!) و من هرچه به این مدیر محترم توضیح دادم که در این مورد نظر شما قطعاً ارجح‌تر از نظر علامه شهید مطهری نیست، نتیجه نداد. علامه شهید مطهری در مورد زکریای رازی مقاله دارند و نوشته‌اند، شواهد نشان می‌دهد رازی به احتمال قوی شیعه شده بود. حتی رهبر معظم انقلاب در مورد زکریای رازی مطالبی را در جهت تایید این شخصیت فرمودند. ورزی سپس تصریح می‌کند: متأسفانه مدیران وقت آن زمان شبکه یک حتی به آن کار ارزیابی منفی اعطا فرمودند!! یک سال کارمان در آرشپو خابود تا اینکه مدیر آن وقت شبکه رفت و آقای مهدی فرجی آمد. ایشان گفتند مشکلی ندارد و باید پخش شود به احترام ایشان و جناب مهندس ضرغامی که حقیقتاً دوروی خوبی در رسانه ملی رقم خورد هم تله‌فیلمش پخش شد هم یک مینی سریال سه قسمتی به طور هفتگی روی آنتن رفت. البته که یک مینی‌سریال سه قسمتی در خاطرها نمی‌ماند اما با خودم گفتم باید یک کار هرچند با تاییم محدود از زندگی زکریای رازی در آرشپو داشته باشیم. در نهایت خیلی جمع و جور به این شخصیت پرداختیم؛ درحالی که من یک سناریوی بزرگ از این شخصیت نوشته بودم. سر آن پروژه اذیت شدم و متوجه شدم برخی دوستان خیلی علاقه‌مند نیستند که مفاخر بزرگ ایران به تصویر کشیده شود.

مدیروقت شبکه یک کارم را توقیف کرد

محمدرضا ورزی حرف‌هایش را اینگونه ادامه می‌دهد: به عنوان مثال بوعلی سینا مدعیان بسیاری دارد. افغانستان می‌گوید مال آنهاست، ازبکستان می‌گوید متعلق به خودشان است و همین‌طور عرب‌زبان‌ها زکریای رازی را به عنوان دانشمند زبان عربی می‌شناسند در حالی که زکریای رازی عجم بوده است. به این دانشمند لقب جالینوس عرب دادند! در حال حاضر هم کشور ترکیه مولانا را متعلق به خودش می‌داند؛ در حالی که مولانا اشعار ایرانی می‌رسود

نابغهی بادیسپیلین که در کنار سهراب سپهری جای می‌گیرد



او در پایان اظهار کرد: جلال شباهنگی در فرایند مدرن و به‌روزرسانی هنر ایران شیوه‌ای لطیف و شاعرانه و پژوهش‌مدار را انتخاب کرد که وحدت هنر ناب را در خود حمل می‌کرد. هنری که در عین استفاده دیسپیلین شدید توانست به حدی احساسی و لطیف ارائه شود که در عین اینکه محصول سوئزکتیونه استاد است اما حاصل ارزشمند برای انتقال حس شاعرانه او باشد.

فرهنگ و هنر

خبر
<div><div><div><div></div></div></div><div></div></div>

حمیدجبلی:

دلنگ تئاتر شدهام

حمید جبلی، نویسنده، صدایبشه و بازیگر تئاتر بایبان اینکه دلنگ تئاتر شده‌است و می‌خواهد در حد توانش کارهایی انجام بدهد، گفت: همه‌کاره هیچ‌کاره به من می‌گویند. به گزارش ایسنا، طبق گزارش رسیده، نشست پژوهشی «گذری بر درام‌نویسی ایرانی از میرزاآقا تبریزی تا درام‌نویسان معاصر» با نگاهی به نمایشنامه «سوسمار» با همکاری موسسه فرهنگی اوسان در مجموعه فرهنگان «قریب» ۳ شهریور ماه برگزار شد.

حمید جبلی (بازیگر، کارگردان، نویسنده، صدایبشه)، محمد رحمانیان (نویسنده، کارگردان و مدرس تئاتر)، رحمت امینی (نمایشنامه‌نویس، کارگردان و پژوهشگر) و میترآ علوی‌طلب (پژوهشگر تئاتر و مدرس دانشگاه) در این نشست که با مدیریت علی کریمی (پژوهشگر ادبیات) برگزار شد، حضور داشتند. در ابتدای این نشست، حمید جبلی ضمن خوش‌آمدگویی به حاضران در نشست گفت: «همه‌کاره هیچ‌کاره به من می‌گویند. ما بچه‌های قدیم کانون که از دهه ۵۰ در کلاس‌های این مجموعه شرکت می‌کردیم در همه زمینه‌های هنری تجربه کسب کردیم. شاید به خواسته خودم بوده که دو دهه از تئاتر دور بوده‌ام ولی خیلی زیاد دلنگ تئاتر شده‌ام و دوباره می‌خواهم کارهایی در حد توانم انجام بدهم.» او ادامه داد: «من از دهه ۶۰ عکاسی تئاتر می‌کردم و به‌واسطه آتیلآ پسیانی در گروه «تئاتر بازی» بودم و اصلا روابطم با تئاتر قطع نشده بود.»

جبلی گفت: «تئاتر و ادبیات نمایشی همیشه بر هنرها تأثیرگذار بوده است. سینما نیز قصه‌گویی را از نمایش الهام می‌گیرد و به شکل امروزی نمایان می‌شود. به‌نظرم هیچ هنری نیست که بر دیگری تأثیر نداشته باشد.»

محمد رحمانیان، دیگر سخنران این نشست درباره حمید جبلی گفت: «حمید جبلی همیشه برایم عجیب بود. وقتی نخستین کارهایش را دیدم برایم سؤال شد که آدمی که آثار طنز زیادی در کارنامه هنری خود دارد چرا اینقدر تلخ‌اندیش است.»

او افزود: «جبلی در عکاسی، کارگردانی و نویسندگی بسیار درخشان است و به‌نظرم هرجایی که بوده اثری از خود باقی گذاشته است و این رسالت هنرمندان است.»

رحمانیان ادامه داد: «در نمایشنامه جدید حمید جبلی یعنی «سوسمار» ردپای تئاتر ابیزود و جهان واقعی کاملاً مشهود است. به‌نظرم این نمایش برای مخاطب بسیار جذاب خواهد بود و جسارت را در فضای فانتزی و واقعی جبلی می‌توان دید.»

میترآ علوی‌طلب، در ادامه این نشست گفت: «قدمت نمایشنامه‌نویسی در ایران به‌اندازه یونان نیست و حدود ۱۷۰ سال از عمر آن می‌گذرد. از سال ۱۲۲۹ هجری شمسی که آخوندزاده اولین نمایشنامه‌اش را می‌نویسد تا سال ۱۳۳۱ که دوران پهلوی اول است ما شاهد دوران تکوین نمایشنامه‌نویسی در ایران هستیم. در این دوران امر قدیمی و سنتی دیگر قابل‌پذیرش نیست و از طرفی رویارویی با امر جدید کمی هراسناک بوده است. درنتیجه نویسندگان شروع به نوشتن کرده و نمایشنامه‌هایی خلق می‌کنند که از یک‌طرف نقد به ست و از طرفی دیگر نقد به مدرنیته است. برای مثال اوج این موداها به هر دو سوی سکه را در نمایشنامه‌هایی مانند «جعفرخان از فرنگ برگشته» نوشته حسن مقدم و یا آثار صادق هدایت و میرزاده عشقی می‌بینیم.»

او ادامه داد: «نمایشنامه «سوسمار» هم به‌نظر من به فرهنگ‌عامه می‌پردازد. همچنین وجود جهانی تمثیلی در این نمایشنامه می‌بینیم. جهانی که گاهی هم ممکن است هراس‌آور باشد.» رحمت امینی، نمایشنامه «سوسمار» را امتداد درام ایرانی دانست و گفت: «در این اثر نمایشی شاید تماشاگر را به صحنه‌هایی قیقهه بزند اما تلاش ما براین بوده که اثر به سمت کمدی شدن پیش نرود.»

او ادامه داد: «من امیدوارم که آقای جبلی بعد از اجرای نمایش «سوسمار» به چاپ این نمایشنامه نیز فکر کند تا همگان بتوانند از این متن استفاده کنند.» این کارگردان تئاتر ادامه داد: «حمید جبلی علاوه بر اینکه نمایشنامه‌نویس «سوسمار» است، از آغاز همراه ما بودند و بسیار در روند تمرین‌ها کمک و ایده به گروه داده است.» نمایش «سوسمار» از روز دوشنبه ۶ شهریور ساعت ۲۰:۱۵ با ۶۰ دقیقه اجرای خود را در تالار چهارسو تئاتر شهر آغاز خواهد کرد.